

دشمن اصلی - امپریالیسم امریکایی -

رافرا موش نکنیم

* به مردم اعتماد کنیم و نظریات و برنامه های مشخص و اصولی خود را عرضه کنیم

جو سیاسی ایران آکنده از اختلافات و جریحه ها شده است. دقیق تر بگوییم، آنرا آکنده از اختلافات کرده اند. نتیجه مستقیم آنهم آشکار است: محبلی بوجود آمده است که گویی اصل مطلب را همه دولتمردان فراموش کرده اند. دقیق تر بگوییم، طوری همه جریقات سمت داده میشود که اصل مطلب فراموش شود. و اصل مطلب چیست جز نبرد مردم و زندگی با امپریالیسم آمریکا، جز ضرورت مقابله با توطئه های آشکار و سلیس نهان امپریالیسم آمریکا، جز لزوم نهایت هوشیاری برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و سرکوب فساد انقلاب؟

اینجاست که نمیتوان بیچشم صورت تبدیل احتمالی اختلافات شخصی را به مشاجرات سیاسی، و برخورد های فرعی و خصوصی را به تضاد های ماهوی و عمده توجیه کرد. نمیتوان کشاندن کار اختلاف نظر را به سازماندهی کارهایی علیه قانون و نهادهای قانونی و برنامه ریزی عملیاتی را در زوای قانون و نهادهای متکی به قانون اساسی عملی عادی دانست. نمیتوان از کنار همه آنها به سادگی و با بیان مبارزه بر سر قدرت، بین دو شخص یا دو گرایش گذشت، زیرا در اینجا صحبت بر سر سر-

اما ما که، همه از هر قشر و سازمانی، و بدون توجه به قشر و سازمان، یکسدا فریاد زدیم «مرگ بر شاه» و «بعد از شاه نوبت آمریکاست» و خوب می دانستیم - اگر نمیدانستیم بیه تجربه دریافته - که این اتحاد هنگامی بیرون می آید که ما را تقسیم کرد، اکنون چه میکنیم؟ چنان جوی بوجود آمده که همه انگشتها دیگر دشمن عمده را نشان نمیدهند و همه فریادها دیگر بر سر آمریکا کشیده نمیشود. تشنج درونی و اختلافات داخلی کم کم به وجه مشخصه حیات سیاسی جامعه ما بدل می شود. نه اتحاد عمل همگی و همگی نیروهای مختلف انقلابی و ضد امپریالیستی و طرفدار مردم، همگی آنها که در توان دارند با امپریالیسم مقابله کنند و استقلال و آزادی را برای جمهوری اسلامی ایران تامین نمایند، یکسدا عمل نمی کنند.

در بین نیروهای انقلابی، که دز سازمانها و گروههای مختلف تشکیل اند، اختلاف است و وضع چنان شده که گویی این اختلاف عمده است، نه تضاد ما با امپریالیسم.

بین مسئولین امر و کسانی که سکان کشتی و زمام امور کشور را بدست دارند، اختلاف است و این اختلاف که گاه می گویند نبرد بر سر قدرت است یا بر سر سکت، گاه میگویند ناشی از زیاد طلبی است یا فرست طلبی یا انحصار جویی، چنان بر سر صدا میشود که باز هم نتیجه عملی جز این نیست که، دشمن اصلی انقلاب ما و جمهوری ما، امپریالیسم امریکایی - که باید آماج اصلی حمله همه نیروهای مختلف انقلابی و صدیق باشد، از نظر پنهان می ماند و در پایش در میان دود و هیاهو گم می شود و لاجرم در این شرایط آسایش می تواند در پیچینی کند، توطئه آفرینی کند و همه را یکجا بدام اندازد و زمینه را برای فعالیت های سازمانی و تبلیغاتی روانی فساد انقلاب داخلی فراهم کند و جمهوری اسلامی ایران - این ثمره مهم دوران ساز انقلاب را به نابودی بکشاند.

این چو سالم کس نیست سهل است، برای انقلاب ما مضر است. صحبت تنها بر سر شادی خصم و خنده دشمن نیست، صحبت از سازماندهی خطرناک فعالیت های براندازی دشمن بر ضد جمهوری اسلامی ایران و انقلاب است.

کشور ما در موقعیت بسیار حساسی از حیث خود برمی برد. امپریالیسم آمریکا با تمامی امکانات خود می کوشد تا انقلاب شکوهمند مردم ایران را به زانو در آورد و در این راه از تدارک هیچ توطئه ای علیه انقلاب ایران کوتاهی نمی کند: ایران را در محاصره اقتصادی قرار می دهد، آشکارا دست به تهاجم نظامی می زند، ناوگانهایش را به خلیج فارس گسیل می کند، پایگاه های نظامی جدید در کشورهای مرز خلیج فارس ایجاد می کند و با همکاری آنها مانورهای نظامی در خلیج فارس و دریای عمان انجام می دهد. آری، امپریالیسم آمریکا در حال تدارک توطئه های آشکار و نهان فراوانی برای درهم شکستن انقلاب ایران است.

در چنین شرایط حساسی، وظیفه بسیار سنگینی بر دوش مطبوعات ایران قرار دارد. مطبوعات متعهد به انقلاب باید با ارائه شناخت درست از اوضاع کنونی بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۶
سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

خروج بخشی از نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، نشان دهنده ثبات انقلاب افغانستان و حسن نیت اتحاد شوروی است

مطبوعات ترقیخواه عربی ضمن برزی رویدادهایی که پیرامون افغانستان بوجود آمده و تشریح علل کمک اتحاد شوروی به انقلاب مردم افغانستان، اعلام کرده اند که خروج قسمتی از نیروهای اتحاد شوروی در افغانستان از خاک این کشور، از یکسو نشان دهنده حسن نیت اتحاد شوروی در زمینه کاهش تنش است و از سوی دیگر نشان میدهد که انقلاب افغانستان تثبیت میشود.

از جمله روزنامه الشعب نوشت که خروج بخشی از نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، که با توافق دولت انقلابی افغانستان صورت می گیرد، بیشتر بخاطر ثبات اوضاع در افغانستان است. خلق افغانستان روز به روز بیشتر به دولت انقلابی خود اعتماد و اطمینان نشان میدهد و راهزنان و اوباشان مزدور نیز، که بوسیله آمریکا، چین، مصر و پاکستان اجیر

اجتماع ضد انقلابیون جهان و ایران در فرانسه

روزهای سوئیکم خرداد و اول تیرماه، از سوی «طرفداران آزادی در جهان» مراسم سخنرانی در شهر «بورژ» فرانسه برگزار شد. در این اجتماع، «بونیا توسی» از شخصیت های مرتجع و مهم وابسته به رئیس جمهور فرانسه و همچنین عناصر مطرود جهان، از جمله فراریان و ضد انقلابیون ایرانی و طرفداران کشورهای سوسیالیستی حضور داشتند.

ابتدا «ژان لکاتوه» پشتیبان ژسکاردستن و طرفدار سیاست آمریکا در فرانسه، از طرف حزب «وحدت فرانسوی ها» سخنرانی کرد.

و گفت: (ما مشغول فعالیت جدی هستیم، خواهیم رفت!) بزرگی در ایران حکومت را بدست آمریکا و ضد انقلاب داخلی هشیارتار باشیم و آنها را با قاطعیت سرکوب کنیم. نامه مردم - این هم هشدار جدیدی است که در برابر توطئه های امپریالیسم

جرج حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین: دخالت نظامی شوروی در افغانستان، تنها پاسخگویی به امپریالیسم امریکایی بود

آخرین نکته ای که باید بدان اشاره نمود این است که ما بر اساس اصول ملی و بین المللی خود معتقدیم که با وجود هرگونه اختلاف نظر با اتحاد جماهیر شوروی، در این مرحله حساس برای رسیدن به اهداف خود تکیه گاه اساسی و اصولی ما در مبارزات، بر ضد امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم می باشد. من در رابطه با اینکه شما گفتید در حال حاضر علی رغم تمام اختلافاتی که با شوروی دارید، باید برای مقابله و مبارزه با مثلث کسب دیوبند آنها را کنار بگذارید، ممکن است بفرمائید موضع جبهه شما در مورد مسئله افغانستان و حضور نظامی شوروی

قیمت ها به مرز خطرناکی رسیده است

قیمت حبوبات ۳ برابر شده.

* یک کارگو: برای من خوردن آبگوشت، بالوبیای کیلویی ۱۵ تومان ممکن نیست.
* یک زن خانه دار: دیگر نمیتوانم به بیچه هایم عدسی هم بدهم، چون کیلویی ۸ تومان است.

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران: چگونه سوسیال دموکراسی انقلابی ایران پایه گذاری شد



در این تصویر ستارخان (در وسط) با ارزنیکی دزه (سمت راست) دیده میشود

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران نامه «مردم» مفید دانست که، ولو باختصار، تاریخچه ای از حزب کمونیست ایران را که از تاریخ جنبش ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران معاصر جدا نیست، طی چند مقاله به اطلاع خوانندگان گرامی برساند. باشد که از این تاریخ پرافتخار و برفراز و نشیب و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب پیروزه مند ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران در سدهای لازم گرفته شود. صفحات ۷۳

دهقانان زمین می خواهند، مالکان تشنج و آشوب

مسائل دهقانی - صفحه ۵

کارگران گرما به ها: در تاریکی می آئیم، در تاریکی میرویم، کسی به ما اعتنایی ندارد

مسائل کارگری - صفحه ۴

نقدی بر فیلم «تور» و نگاهی به فیلم «نهضت مقاومت»

مسائل هنری - صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکایی، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترکان است

۱۰ تومان در دسترس مصرف کننده قرار می‌گیرد، یعنی دست ۱۰۰ درصد کمتر از سال گذشته است، لوبیا قرمز ایرانی هم تا ۵۰ درصد گرانتر از یکسال اخیر شده است. لوبیا قرمز ایرانی، که سال گذشته درمنازه کیلویی ۹ تومان فروخته می‌شد، امسال به کیلویی ۱۴ تومان رسیده است.

خوردن آبگوشت هم صرف نمی‌کند!

احمد داوری تراشکار، با ماهی سه هزار تومان در آمد، در این مورد می‌گوید: «آبگوشتی که در سال گذشته برای ما بیشتر از ۱۰-۹ تومان خرج برنمی‌داشت، امسال برای تهیه آن باید حدود ۳۰-۴۰ تومان جنس برداش کنیم، زیرا نخود و لوبیا نسبت به سال گذشته سه چهارم تومانی گرانتر شده است. برای

من کارگر که حقوقم پانزدهم می‌کند، خوردن آبگوشت با گوشت کیلویی ۵۰ تومان و حبوبات کیلویی ۱۵ تومان صرف نمی‌کند». رهبری، فروشنده، افزایش قیمت حبوبات را باین شرح تصویر می‌کند:

«حبوبات به غیر از لوبیا قرمز» آنها انواع خارجی، بقیه در داخل کشور تهیه و عرضه می‌شود. و با اینکه جزو کالاهای کمیاب در بازار هم نیست، ولی نسبت به یکسال اخیر تا ۱۰۰ درصد گرانتر شده است. بطور نمونه ماش، که در سال گذشته کیلویی ۵ تومان فروخته شد امسال به قیمت ۱۱ تومان رسیده است. یا لوبیا چیتی، که در سال گذشته کیلویی ۸ تومان در دسترس مشتری قرار می‌گرفت، امسال با قیمت کیلویی ۱۵ تومان در بازار عرضه می‌شود».

از زبان فریده حبیبی، خانه‌دار، ۶ سر عائله، بخشی دیگری از

مشکل زحمتکشان را در ارتباط با حبوبات بخوانید: «فرد سال گذشته کیلویی ۶-۵ تومان قیمت داشت، در حالی که امسال به قیمت ۸ تومان رسیده است. این در حالی است که حقوق شوهرم، که کارمند ساده دولت است، به همان صورت باقی مانده است. من در گذشته بیشتر مواقع شام به بچه‌هایم عدس پخته می‌دادم چون هم برای تقویت حافظه خوب است و هم ساده تمام می‌شود، ولی حالا با این افزایش قیمت‌ها، که روز بروز هم بیشتر می‌شود، دیگر نمی‌توانم هفته‌ای یکبار پول عدس کیلویی ۸ تومان را بدهم، زیرا حقوق ماهی سه هزار تومان، با کرایه خانه ماهی ۱۵۰۰ تومان در ماه، ۸-۷ سرعائله، واقعا کفاف این زندگی باین قیمت‌ها را نمی‌کند».

خبرنگاران «نامه مردم» که تجمعات را در محلات زحمتکشان

بررسی کرده‌اند، اضافه می‌کنند: چشم بلبلی و لوبیا سفید که به نسبت همانند دیگر حبوبات از گرانی در امان نمانده‌اند. لپه‌ای که در سال گذشته کیلویی ۶ تومان خریداری می‌شد، امسال به کیلویی ۸ تومان در دسترس مصرف کننده قرار می‌گیرد. همچنین چشم بلبلی نسبت به یکسال اخیر تا ۴۰ درصد گرانتر شده است.

غارت سرمایه‌داران بزرگ

بررسی خبرنگاران «نامه مردم» نشان می‌دهد که قیمت از عمده فروشی تا خرده فروشی در مورد حبوبات تنها کیلویی یک تومان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر عرضه حبوبات در بازار کم نشده و انواع حبوبات فراوان است.

زمینه اصلی غارت، یعنی افزایش ۱۲۰ درصدی قیمت حبوبات را باید در عملکرد سرمایه‌داران بزرگ داخلی سراغ کرد

قیمت حبوبات...

بقیه از صفحه ۱ قیمت حبوبات نیز همانند دیگر مواد مورد نیاز هر روزه مردم، نسبت به سال گذشته ترقی کرده است. حبوبات در یکسال گذشته بین ۲۲ تا ۱۲۰ درصد گران شده است. لوبیا چیتی، که در سال گذشته کیلویی ۸ تومان عرضه می‌شد، امسال به قیمت ۱۵ تومان در دست مصرف کننده قرار می‌گیرد، یعنی ۸۷ درصد نسبت به یکسال اخیر گرانتر شده است.

قیمت لوبیا سفید، که در سال گذشته کیلویی ۷ تومان بود، امسال به کیلویی ۱۱ تومان رسیده است. با این حساب آش و آبگوشت که حبوبات از مواد اصلی آن است و غذای عمده زحمتکشان را تشکیل می‌دهد، باید از لیست غذای آنها یا حذف شود یا حداقل تقلیل یابد. زیرا آنها از پس چشم بلبلی کیلویی ۱۴ تومان و لوبیا چیتی کیلویی ۱۵ تومان بر نمی‌آیند.

بررسی خبرنگاران «نامه مردم» نشان می‌دهد: حبوبات گامی تا سه برابر نسبت به سال گذشته افزایش قیمت داشته است. لوبیا قرمز خارجی، که در سال گذشته کیلویی ۵ تومان بفروشی می‌رفت امسال به قیمت کیلویی

که بعد از انقلاب سرمایه خود را در زمین‌مردانغذائی بکار انداخته‌اند و بیرحمانه به خالی کردن جیب بوده‌های مشغولند که برای خوردن یک عدس مجبورند عدس بخزنند، یا با نخود و لوبیا برای فرزندان خود آبگوشت فراهم بیاورند. این غارت، علاوه بر لطمه زدن به اقتصاد کشور و افزودن بر نرخ تورم، زیاده‌داری قیمت‌ها، مستقما به نارضایتی توده‌ها دامن می‌زند و در نتیجه علیه انقلاب ایران و بسود امپریالیسم آمریکا است.

تنها راه حل این مشکل، ایجاد بخش دولتی در تولید و توزیع وسایل مورد نیاز توده‌هاست.

نام کالا	قیمت سال گذشته	قیمت اعمال	درصد افزایش
لپه	۶۰ ریال	۸۰ ریال	۳۳ درصد
نخود	۷۰	۸۰	۱۴
لوبیا چیتی	۸۰	۱۵۰	۸۷
لوبیا سفید	۷۰	۱۱۰	۵۷
ماش	۵۰	۱۱۰	۱۲۰
لوبیا قرمز (ایرانی)	۹۰	۱۲۰	۵۵
لوبیا قرمز (خارجی)	۵۰	۱۰۰	۱۰۰
چشم بلبلی	۱۰۰	۱۴۰	۴۰
عدس	۶۰	۸۰	۳۳

سخنان جرج حبش...

بقیه از صفحه ۱ بگذاریم و برای یافتن حداکثر نقاط مشترک در نظریات خود، بدقت جستجو کنیم. بنابراین باید گفت، ما وجود نیروهای شوروی در افغانستان را جدا از حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده نمی‌توانیم بررسی کنیم، زیرا که ما را در جهت اتخاذ مواضع اشتباه هدایت خواهند کرد.

خوب، میدانید که انقلاب افغانستان در سال ۱۹۷۵ توسط نیروهای افغانی مستقل از خارج علیه نظام سرمایه‌داری وابسته اتفاق افتاد.

پس از انقلاب افغانستان، که بدون دخالت نظامی شوروی و کاملاً متکی به نیروهای افغانی صورت گرفت، نیروهایی برای مخالفت با این نظام سر بلند کردند و خیلی سریع دیدیم که رژیم پاکستان، که خود دست‌نشانده آمریکا است، از این نیروها استقبال کرد. در نتیجه ما با اعتراض مردم علیه نظام تره‌کم یا حفیظ‌الله امین و کارمل مواجه شدیم، بلکه با نیروهای امپریالیسم آمریکا و پاکستان و وابستگان داخلی خود، مواجه شدیم. و اینجا دخالت نظامی شوروی تنها برای پاسخشویی به امپریالیسم آمریکا بود، که خیلی قبل از دخالت نظامی شوروی وارد افغانستان شده بود.

من بخوبی میدانم و ایمان دارم و حتی در دیدار اخیر خود از شوروی این موضوع را لمس کردم که شوروی تا چه اندازه نسبت به انقلاب اسلامی ایران علاقه دارد و اکنون روی در مقابل یک مسئله بسیار اساسی ایستاده است و آن رهبری امام خمینی و انقلاب ایران است. مخالفان امپریالیسم آمریکا گمان می‌کنند هرگونه نکتہ‌سنجی چه در مورد موضع سکو در شورای امنیت و یا مسئله اقلیت‌ها در ایران و اینکه چگونه باید جل شود را، باید در نظر بگیریم ولی باید در چهارچوب کلی حمایت شوروی از ایران باشد که در همه موضع‌گیری‌های همیشه نشان می‌دهد. ما در این مورد (مسئله افغانستان) به نتیجه‌ای نخواهیم رسید و بهتر است به این بحث پایان دهیم. مسئله دیگری که باید گفت، این است که شکی نیست که، هر رهبری انقلابی باید سعی کند بر نیروی انقلاب خودش تکیه کند تا بتواند استقلال خود را حفظ کند، اما متأسفانه شما همواره با اشتباه بسیار بزرگ مرتکب می‌شوید و آن این است که شما شوروی را در کنار آمریکا قرار می‌دهید و فکر می‌کنید او نیز دارای اهداف توسعه‌طلبانه و استثمارگرانه است، ولی باید بیشتر دقت نمود و علمی فکر کرد. شاید با من موافق نباشید، ولی بیشتر دقت کنید شاید به وحدت نظر برسیم.

و بالاخره باید به شما بگویم که اگرچه ما در این موارد با یکدیگر اختلاف نظر فراوان داریم، اما به شما اطمینان می‌دهم که شوروی دوست شما است و از شما حمایت می‌کند. (انقلاب اسلامی، ۳۱ خرداد)

آن و زمینه بروز آن را اعلام داریم. درباره کلیه مسائل مشخص مربوط به دفاع از انقلاب و پیشبرد آن، حفاظت از جمهوری و رشد آن، نظر و تحلیل و پیشنهاد خود را - دقیقاً و مشخصاً در هر مورد و همه موارد - بیان کنیم.

به مردم انقلابی ایران که متعصب بلوغ سیاسی و رشد مدنی هستند و می‌توانند با دوری درست، موضع صحیح را برگزینند، اعتماد کنیم.

هرگونه دسیسه‌بازی و برنامہ ریزی مخفی و توطئه‌گری و حیاهوی منحرف‌کننده، نه فقط زمینه ساز

امپریالیسم آمریکا، آماده و هوشیار نگهداشت، باید تحریکات امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی او را، که از هرگونه فرصتی برای دامن زدن به تفرقه بین نیروهای انقلابی و خلقی و دل‌سرد کردن مردم استفاده می‌کنند، افشا کرد. باید از آشفته‌ساختن ذهن توده‌ها در مسائلی که ساخته و پرداخته دست امپریالیسم و خیرگزاریهایی وابسته به آن است، احتراز کرد.

تنها در این صورت است که می‌توان مردم را برای روبرویی با هر توطئه‌ای که از جانب امپریالیسم آمریکا صورت می‌گیرد، آماده و هوشیار نگهداشت. برای رسیدن به این هدف، مطبوعات ایران باید همانگونه که امام خمینی رهنمود داده است، تمام قلم‌ها را به سوی شیطان بزرگ آمریکا، نشانه‌روند و هر چه فریاد دارند بر سر آمریکا بکشند.

ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و همسنانانش هستند، مقاومت کند و آنها را درهم شکند.

و باز برمیگردیم مانند همیشه بر سر مطلب اصلی، یعنی توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، که دشمن عمده انقلاب ما و جمهوری است و وظیفه اولیه و حیاتی و حساس و فراموش‌ناپذیر ما مبارزه با او، در همه زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی و ایدئولوژیک و فرهنگی و خیرساز و اطلاعاتی و احتراز از افتادن در دام‌های گوناگون این دشمن محیل و شیطانی است.

همانند صحنه‌سازی‌هایی که به رود یک دستگاه عظیم تبلیغاتی دروغ‌پرداز و جعل خبر در صحنه خارجی انجام می‌گیرد، عمده کردن و مطلق کردن اختلاف نظرهای غیرعمده یا فرعی و شخصی نیز می‌تواند ما را از دشمن عمده و سائل عمده منحرف کند.

پیشرو باشیم که دارد منحرف می‌کند. خوجه باشیم که انگشت‌ها دیگر بطور استثنائی، بسیار به ندرت و گذرا امپریالیسم آمریکا را نشان می‌دهد. به خود آیم که فریادهای دیگر همه متوجه دشمن اصلی ما، شیطان بزرگ - آمریکا - نیست. غفلت نکنیم که جو سیاسی ما نه جو ضد امپریالیسم است - که جو اختلاف و تشنج درونی است. مبادا دیر کنیم که انقلاب در خطر قرار می‌گیرد، جمهوری اسلامی ایران تضعیف می‌شود و دشمن زمینه براندازی می‌یابد. اختلاف را در حد خود شناسایی کنیم. اختلاف را، اگر شخصی یا غیرعمده است، بزرگ و مطلق نکنیم. اختلاف اگر اصولی است، علل

یکدیگر منحرف و بسوی دشمن انسانیت که در رأس آنها آمریکاست، نشانه روید.

مطبوعات کشورها بسادگی دویی و زنی هر نیمه انحرافی، پداسو جلب می‌شوند و امپریالیسم آمریکا بطور عمده از صفحات مطبوعات ایران محو می‌گردد و توطئه‌های گوناگونی، که توسط این دشمن قسم‌خورده انقلاب ایران در حال تدارک است، به بوته فراموشی سپرده می‌شود و این در حالی است که در اغلب روزنامه‌ها تیترهای درشت به‌خاطر سایر ادوخی خبرگزاریهایی امپریالیستی در مورد افغانستان اختصاص یافته است.

ما اکنون در شرایطی هستیم که کوچکترین سهل‌انگاری و عدم هوشیاری صدمات جبران‌ناپذیری به انقلاب ما خواهد زد. در این شرایط باید مردم را برای مقابله با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم بر سر کردی

خبر گذاشتن، تفاوت کلی دارد. این نحوه عمل کمک می‌کند که اختلاف عمده واقعی، یعنی اختلاف بین کلیه نیروها و شخصیت‌ها با دشمن اصلی، لوٹ نشود، کم نشود، فراموش نشود و نیروهای دارای اختلاف نظر، وحدت عمل یابند.

برعکس، پیدایش جو آکنده از اختلاف درونی، حیاهو و تشنج وابسته به آن، بسیار زیانمند و انقلاب بر یاده است. علم کردن و عمده شدن این اختلاف تنها مربوط به طرفین دعوا یا طرف‌های اختلاف نیست، مربوط به مردمی است که انقلاب کرده‌اند و می‌خواهند انقلاب بجلو رود و تکمیل شود و جمهوری اسلامی ایران - جمهوری واقعا موجود ما - با همین نفاق ضعف و قوتی که دارد، حفاظت شود، پیشرفت کند و بسوی کمال رود.

در این شرایط حساس، انتظار و حق مردم انقلابی ما، که بلوغ سیاسی خود را در عمل و طی کارزارهای خوین و بی‌گنجه علیه رژیم گذشته نشان داده‌اند، آنست که اختلاف نظر از صورت اتهام یا کلی‌گویی‌ها خارج شود. ادعاها و برنامه‌ها از صورت کلیت و جملات عام‌بیرون آید. هر کسی، هر شخصیت، هر سازمان و هر نیرویی درباره تمام مسائل گریه و حیاتی کشور و انقلاب، فلسف مشخص و عقیده مشخص و پیشنهاد مشخص خود را از طریق عادی و قانونی بگوید، تا مردم قضاوت کنند، افکار عمومی داری کند و با شناخت امر و درک واقعیت موضوعی نماید.

بظنر ما، کاملاً وقت آن رسیده است که درباره تمام مسائل گریه آشکارا، دقیقاً و بطور مشخص صحبت شود و موضوعها معلوم گردد. درباره رشد اقتصادی و سمت

چرا مطبوعات...

بقیه از صفحه ۱ ایران، افکار عمومی را برای روبرویی با خطرناکترین دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، تجهیز کنند و همواره مردم را برای مقابله با دسیسه‌های رنکارگرانک آماده نگه‌دارند.

اما متأسفانه در دوران اخیر کمتر می‌توان هشیاری و توجه لازم در مطبوعات کشور، نسبت به خطر واقعی و جدی شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا مشاهده کرد.

زمانی که امام خمینی می‌گوید: «می‌خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار ببرید و اسلحه‌های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری پروری

دشمن اصلی...

بقیه از صفحه ۱ مسئولیت و بویژه هر دو لتداری است که بین اختلاف عمده و یا مخالفت اصولی با اختلاف نظرهای غیرعمده و فرعی یا شخصی و خصوصی، تفاوت نهد و کاری نکند و روشی در پیش نگیرد که این یکی جای آن یکی را بگیرد. نه فقط وجود اختلاف، بلکه بروز اختلاف، در آنچه که قبلاً نبوده نیز به یک معنا پدید می‌آید. به آن معنا که پس از طی یک مرحله معین تکامل اجتماعی که حاصل یک دوست‌تارید انقلابی، نیروها و شخصیت‌هایی که تا آن لحظه برای رسیدن به اهداف معینی یگزین و یکدل بودند، پس از آن مرحله، دیگر در برابر اهداف جدید و یا شیوه‌های جدید رسیدن به هدف، زبان مشترک پیدا نمی‌کنند و برای پیوند راه همدلی را از دست می‌دهند. در این حالت گاه عده‌ای به مشروطه خودی - رسنه و از راه باز می‌آیند، که در حالی که دیگر هم‌راهان خواهان پیشبرد جامعه و تکامل باز هم بیشتری هستند، پس بدین است که در این حالات نیز بین همدستان سابق، که همواره اتفاق نظر داشتند، اختلاف نظر بروز کند. در این حالات نیز اختلافات حاصله می‌تواند عمده و اصولی باشد، ولی اگر بروز اختلاف بین یاران قدیم بر سر مثلاً مقام یا همکاری باشد، همواره غیر اصولی و فرعی است.

رحالیکه انقلاب ما درگیر بود از حیاتی و مانی با امپریالیسم آمریکا است و لحظه، برای کشور ما، لحظه‌ای حساس و سر- نوشت ساز است، تنها آنگونه اختلاف عده‌ای که در پیوند با نبرد ما علیه امپریالیسم زائیده

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

هوسطان کرد مقیم تهران می‌توانند نامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

چگونه سوسیال دموکراسی انقلابی ایران پایه گذاری شد

(۲)

نیروهای دولتی، بالاخره تحت فشار افکارعمومی، مظفرالدین شاه در تیرماه ۱۲۸۵ فرمان تدوین قانون اساسی و در شهریور ماه فرمان انتخابات اولین مجلس شورای ملی ایران را صادر می کند. مجلس اول، نخستین قانون اساسی ایران را (مهرماه) تدوین و پس از توشیح شاه در آذرماه ۱۲۸۵ تصویب می کند.

خرابکاریها و قیامهای ضد انقلاب در دی و بهمن همان سال از جانب نیروهای انقلابی («جمعیت مجاهدین»، که هسته مرکزی آن را اجتماعیان عامیون تشکیل می داد و در واقع سازمان توده ای این حزب و نیروی مسلح و تعیین کننده سرنوشت انقلاب بود) در تهران، تبریز، رشت، اصفهان، مشهد و غیره سرکوب می شود.

طبقه کارگر ایران در این دوره برای نخستین بار در تاریخ کشور شروع به تشکیل اتحادیه های خود می کند. باید در نظر داشت که اتحادیه کاری در واقع در ادامه تاریخی انجمن های صنفی کارگران کارگاه های صنایع دستی (پیشووری) به وجود می آید. تحقیقاتی که ایران شناسان کرده اند، بویژه رساله مفصل و جالب تولید پیشووری در شهرهای ایران در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹، و در پی آن کتاب پروفور عبداللہ یف پیراهون «صنایع و پیدایش طبقه کارگر ایران» کمک بزرگی به بررسی این روند مهم تاریخی می کنند.

برای روشن کردن سرنوشت تاریخی بین اتحادیه های صنفی از نوع دوران ارباب - رعیتی (فئودالی) و اتحادیه های کارگری دوران سرمایه داری در ایران، باید به اسناد و مدارک اولیه مراجعه کرد. در اسنادی که تاکنون درباره پیدایش اولین اتحادیه های کارگری ایران به دست آورده ایم، تاریخ های مختلفی ذکر شده است (اختلاف در حدود ۲-۳ سال است).

آنچه محقق است این است که، دوران تدارک بلافاصله انقلاب مشروطیت، در عین حال دوران تکوین جنبش کارگری و تدارک اولین اتحادیه های کارگری در ایران است. در همین دوره است که دیده می شود مثلا کارگران صنایع شیلات سواحل دریای خزر (در امتیاز لیانازوف بود) در دی ماه ۱۲۸۴، دست به اعتصاب می زنند و خواستهای اقتصادی خود را ارائه می دهند. اعتصاب ابتدا از جانب کارگران روسی شرکت اعلام می شود. اما شرکت در برابر خواستهای آن ها مقاومت می کند. لذا هیجانات کارگران توسعه می یابد و کارگران ایرانی هم به آن ها می پیوندند. این کارگران در آبان ماه سال بعد (۱۲۸۵) برای افزایش دستمزد به میزان ۳۰ درصد از کار دست می کشند و در تلگرافخانه انزلی بست می نشینند، تا به مجلس شورای ملی (تازه تشکیل شده بود) شکایت کنند. در دی ماه سال ۱۲۸۴، کارگران نانواخانه های رشت دست به اعتصاب می زنند، که دوهفته به طول می انجامد. در گزارشی که شش ماه بعد، سرهنگ لیاخوف درباره اوضاع بندر انزلی داده است از «اعتصاب کارگران بندر، همبستگی آن ها با نیروهای انقلابی، آمدن آن ها به خیابان ها با پرچم سرخ در دست» سخن می رود.

بدین ترتیب نهضت اعتصابی به تدریج شکل می گیرد. در جریان تدارک انقلاب برای اولین بار (آذر ۱۲۸۴) کارگران مطبوعه «کوچکی» در تهران، اتحادیه خود را تشکیل می دهند. در بهمن سال ۱۲۸۵، کارگران چرم سازی های تهران طی شکواییه ای به مجلس اعلام میکنند که اگر خواستهای آنها پذیرفته نشود، اعتصاب خواهند کرد. در اواخر همین سال، کارگران تلگرافخانه تهران دست به اعتصاب می زنند. کمی بعد کارگران چاپخانه های تهران همگی به نشانه همبستگی با همکار خود اعتراض به عمل «وزیر انطباعات» (اعتمادالسلطنه یکی از حروفچین های مطبوعه را که علی رغم دستور وزارت معارف، به چاپ روزنامه قدغن شده پرداخته بود سلبی زده بود) اعتصاب عمومی اعلام کردند. در نتیجه این اعتصاب، وزیر انطباعات مجبور به عذرخواهی و پرداخت غرامت به کارگر مزبور شد. چند ماه بعد کارگران چاپخانه ها تحت رهبری اتحادیه خود دست به اعتصاب زدند و تقیلساعت کار (از ۱۴ ساعت به ۱۰ ساعت) را خواستار شدند. این اعتصاب نیز با موفقیت پایان یافت. در تیرماه ۱۲۸۶، هنگامی که محافل ارتجاعی چاپ روزنامه های موقتی «حبل المتن» و «صور اسرافیل» را قدغن کردند، کارگران همه مطبوعه های تهران به همراه کارمندان روزنامه ها اعتصاب چهارروزه اعلام کردند، که اهمیت بسزایی داشت. این اعتصاب که در راه آزادی مطبوعات صورت میگرفت، آشکارا خصلت سیاسی داشت و حاکی از رشد آگاهی کارگران چاپخانه ها و کارمندان مطبوعات بود. اوایل دی ماه ۱۲۸۵، کارگران و کارمندان واگون های تهران، بدستور اتحادیه خود، بعلاوه اخراج عده ای از همکارانشان دست از کار کشیدند. این اعتصاب که ۱۲ روز بطول انجامید با پیروزی اعتصاب کنندگان خاتمه یافت و وزارت فوائد عامه مجبور به اقداماتی جهت بهبود وضع اقتصادی کارگران واگون های شهر شد.

همه اعتصاب های آن زمان را در یک مقاله نمیتوان برشمرد. اما نکته مهم این است که کارگران ایران از آن زمان شروع به تشکیل اتحادیه و استفاده گسترده از شکل خاص مبارزه کارگری، یعنی اعتصاب کرده بودند. انگلس در باره اعتصابات کارگری می نویسد: «اعتصابات یک مدرسه نظامی هستند که در آن کارگران برای مبارزه بزرگی، که دیگر اجتنابناپذیر شده است، خود را آماده می کنند. اعتصاب نمایش گردان های جداگانه طبقه کارگر است، که الحاق خود را به جنبش عظیم کارگری اعلام می دارند.» (آثار مارکس و انگلس، جلد ۲، چاپ ۱۹۴۸، صفحه ۴۴۸) اعتصاب، که شکل خاص مبارزه طبقاتی و بروز نارضایتی طبقه کارگر از وضع سخت زندگی است، در بقیه در صفحه ۷

است. لیکن در صورت تدارک اساسی تر این کار میتوان این راه را مورد استفاده قرار داد.» (همانجا، صفحه ۱۵۴)

سپس او متذکر میشود که به کمک سازمانی که در ایران کسبی و ارتباطی دارد، امیدوار است. او در عین حال جهات منفی این راه و لزوم بررسی آن را نیز ذکر میکند. گالپرین می نویسد:

«فلا یک بسته آزمایشی (حداکثر وزنی که در پست قبول میکنند) با پست ارسال دارید به آدرس... ایران... و زمان ارسال و وزن بسته را (همچنین درباره بسته اول) بین اطلاع دهید.» (همانجا)

متأسفانه آدرس ایران (بجای آن ۳ نقطه گذاشته شده است)، بطوریکه هیئت تحریریه مسئول چاپ آثار لنین متذکر شده است، قابل قرائت نیست. البته این آدرس در صورت معین شدن میتوانست به روشن شدن بعضی مسائل کمک کند. اما آنچه جالب و مهم است، پاسخی است که ولادیمیر ایلیچ لنین، خود به نامه گالپرین داده است. لنین می نویسد:

«مدت زیادی نیست که از راه وین به ایران (مطبوعات) فرستاده شده است، بطوریکه هنوز زود است درباره عدم موفقیت آن قضاوت کرد. ممکن است که توفیق حاصل شود. صاحب آدرس را در تبریز مطلع سازید که او باید کتابخانه ای را از برلن دریافت کند و هنگامیکه دریافت شد شما اطلاع دهید.» (لنین، آثار، جلد ۳۴، صفحه ۵۱)

اسناد موجود و پژوهش ها نشان می دهد که در برقراری این گونه ارتباطات، به همراه اشخاص مختلف، انقلابیون و سوسیال دمکرات های ایران نیز (مانند اسدالله غفاریزاده) و دیگران کوشش فراوان داشته اند. برای سازمان دادن به فعالیت سوسیال دمکراسی انقلابی میان زحمتکشان آذربایجان و ایرانی، در سال ۱۲۸۳ گروه «همت» در شهر باکو تأسیس شد. این گروه است که برای نخستین بار کلمه «سوسیال دمکرات» را به «اجتماعیان عامیون» ترجمه می کند، تا برای اقشار ساده و زحمتکش که به زبان های اروپائی آشنائی نداشتند، و آشفتگی و ناآشنائی قابل فهم باشد. در سال ۱۲۸۳ حیدرخان عمو اوغلی، پس از مراجعت از روسیه، با جمعی از کارگران و همکاران در شهر مشهد، نخستین حوزهای سوسیال دمکراسی انقلابی ایران را تشکیل داد. سال بعد (۱۲۸۴) در آستانه انقلاب مشروطیت، در جلسهای در شهر مشهد، اولین سند رسمی جنبش سوسیال دمکراسی در ایران (دستور نامه ای که متن آن منتشر شده است) تدوین و تصویب شد.

از اسناد موجود (نامه هایی که بعدها سوسیال دمکرات های تبریز به کاوتسکی و پله خائف نوشته اند، خاطرات حیدرخان، نریمانف و غیره) چنین برمی آید، که در سال های ۱۲۸۳ - ۱۲۸۴ سازمان ها، حوزها و گروه های سوسیال دمکراسی که خود به خود، این جا و آن جا، به ابتکار انقلابیون و مشروطه خواهان، به وجود می آمدند، اغلب حتی از وجود یکدیگر نیز اطلاع نداشتند.

حیدر عمو اوغلی سپس در تهران نیز به تشکیل حوزهای «اجتماعیان عامیون» می پردازد. کمی بعد، در گیلان (رشت) و بعدها در سایر نقاط ایران نیز سازمان های اجتماعیان عامیون به وجود می آیند. از نامه ای که ژوزف قره خانیان، یکی از ارمانه سوسیال دمکرات آذربایجان، از تبریز به تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۵ (۱۴ شهریور ۱۲۸۴) به پله خائف نوشته است، معلوم می شود که، سوسیال دمکرات های ایران پیش از آن هم با آثار مارکسیستی آشنائی داشته، کتب و روزنامه های مارکسیستی را مطالعه می کرده اند. در این نامه او از پله خائف تقاضای ارسال اثر معروف او «پیراهون مسئله نظریه مونیستی درباره تاریخ» را می کند. و می نویسد:

«ما با استفاده فراوان مقاله شما را درباره سوسیالیسم و مینس پرستی در صفحات زندگی سوسیالیستی» (منظور روزنامه سوسیالیستی چسکایا - ژیزرن - شماره ۱۸، مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۵ (۲۹ تیر ۱۲۸۴) است و سپس در شماره دوم «روزانه سوسیال دمکرات» (منظور «دوتویک سوسیال دمکرات» است، که پله خائف منتشر می کرد) مطالعه کردیم. نظریات شما شباهت زیادی به نظریات کاوتسکی دارد.» (این نامه در بایگانی خانه پله خائف در لنینگراد محفوظ است.)

اسناد موجود، این عقیده مشترک اکثر قریب به اتفاق نویسندگان و محققین ایران را و خاورشناسان خارجی را تأیید می کند که، سال های ۱۲۸۳-۱۲۸۴، آغاز روند تاریخی تکوین سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران و پیدایش اولین سازمان های اجتماعیان عامیون است.

از آذر ماه ۱۲۸۴، یعنی پس از تشکیل نخستین حوزها و سازمان های اجتماعیان عامیون و تدوین اولین دستورنامه آن، به تدریج تظاهرات خیابانی و بستنشینی در اماکن مقدسه شروع می شود. در نتیجه گسترش جنبش مشروطه خواهی در اکثر شهرهای بزرگ ایران، پس از درگیری ها و زدوخوردها با

سوسیال دمکراسی انقلابی ایران (اجتماعیان عامیون) از نخستین مراحل جنبش اش، در ارتباط عمیق ذاتی با انترناسیونالیسم پروتتری بوجود آمد. کوشندگان آن، که بعدها (۱۲۹۶) حزب عدالت و ۳ سال بعد (۱۲۹۹) حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند، میهن دوستانی بودند که بگفته شاعر شهیر آذربایجانی، سعید سلماس (که در سنگرهای انقلاب مشروطه جان خود را نثار کرد) سوسیالیسم را پدیدهای فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، یا روسی نمیدانستند، بلکه متعلق به همه بشریت زحمتکش میدانستند. گرچه عقیده محققین درباره تعیین تاریخ دقیق آغاز جنبش سوسیال دمکراسی در ایران مختلف است، لیکن همه در یک باور شریکند و آنهم اینست که، «اجتماعیان عامیون» اولین حزب نسبتاً متشکل در ایران بود، که نقش فعالی در تدارک و برگزاری انقلاب مشروطیت (۱۲۸۴ - ۱۲۹۰) ایفا کرد. فعالین این جنبش، که همیشه در صفوف مقدم انقلاب جانبازی میکردند، از دو طریق اصلی نقش تاریخی خویش را ایفا میکردند:

۱- از راه کوشش جهت تشکل و ایجاد حزب انقلابی بر بنیادهای نظری سوسیالیسم علمی و روابط سازمانی انترناسیونالیسم پروتتری،
۲- از راه یاری به تجمع و تشکل کارگران در صفوف سازمانهای اتحادیه ای، انجمن های صنعتی و جنبش کارگری.

بر جستجوی های عمده این دو راه پرپیچ و خم را به اجمال از نظر بگذرانیم:

روشنفکری ایران، چنان که دیدیم، صد سال پیش آغاز کرده بودند. این در حقیقت نخستین آشنائی کلی و فقط زمینه مقدماتی برای جنبش سوسیال دمکراسی انقلابی در کشور بود. این جنبش بعدها به طور عمده میان کارگران و مزدوران شهرها و روستاها و دیگر قشرهای زحمتکش ایران، که در پی کار و نان به روسیه تزاری سفر می کردند، تضح گرفت. این زحمتکشان، به همراه طبقه کارگر روسیه، در صفوف سوسیال دمکراسی کارگری آن کشور، که در حال گسترش بود، فعالانه شرکت می کردند.

اواخر قرن ۱۹ - اوایل قرن ۲۰ (اواخر دهه ۸۰ - اوایل دهه ۹۰ هجری) جامه ایران را بسوی یک انقلاب اجتماعی سوق میداد. روابط تولیدی سرمایه داری در شهرها و روستا، گرچه به بندگی، اما در هر حال گسترش می یافت. دو طبقه مشخصه جامعه سرمایه داری، طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر در شرف شکل گرفتن بودند. نفوذ روزافزون سرمایه انحصاری و سیاست استعماری امپریالیسم آزادی عمل طبقه نخواستار سرمایه دار را سخت محدود میکرد و برتیمزبان استثمار کارگران و مشقات آنان می افزود. پیراهون عقب ماندگی جامعه و وضع طاقت فرسای زندگی مردم زحمتکش آن زمان کتب بسیار نوشته شده است. باختصار دو قطعه از اسناد آن زمان را نقل می کنیم:

روزنامه ناصری، چاپ تبریز، ۲۱ رجب ۱۳۱۳ (۱۷ دی ۱۲۷۷) در سرمقاله ای تحت عنوان «عقلت اغتیا از حالت فقر»، پس از توضیح وضع سخت زندگی مردم نوشت:

«پس علت این همه تنگی ویی چیزی که دخل یومیه اهالی کفایت نان خالی را نمی نماید تا چه رسد به خورش و غیره چیست؟ و سبب این فقر و فاقه چه چیز است؟»

روزنامه در مقالات مفصل خود راه چاره را در «تشکیل کمیته های»، «کشیدن راه آهن»، «تأسیس بانک و تکمیل اعتبارات مملکتی»، «ایجاد کارخانجات»، «تحصیل علوم و فنون از قبیل جغرافیا و حساب و هندسه و هیات و طبابت و هر گونه معارف فنی»، میداند (همان روزنامه، ۱۱ محرم ۱۳۱۴).

روزنامه حبل المتن، چاپ کلکته، در شماره ۴ ژوئن ۱۹۰۰ (خرداد ۱۲۷۹) در سلسله مقالاتیکه تحت عنوان «اساس ترقی دولت و ملت» درج میکند، نوشت:

«استبداد است که دولت شش هزار ساله ایران را اینگونه ناتوان نموده... عمر استبداد بی پایان آمده و پایندگی اش به انتها رسیده، هر قدر متعمدان در نگاهداری رسم استبداد جهد و کوشش شود، به همان پایه زودتر اجل استبداد را درک خواهد نمود.»

در این دو قطعه، خواستهای عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه نورسته سرمایه دار ایران خلاصه شده است. اکثر قریب باتفاق روزنامه ها یکدیگر در آن سالها شروع به انتشار کرده بودند (ناصری، احتیاج، ادب، صراط الصانع، معارف، گنجینه فنون و غیره) پیراهون همین مطالب به بحث و گفتگو می پرداختند. در همین سالها بود که تأسیس مدارس جدید (این روند موقتی پس از کشته شدن امیرکبیر و افتتاح مدرسه دارالفنون متوقف مانده بود) دوباره رواج یافت. بنای این مدارس اغلب محل تجمع مخفیانه هواداران قانون اساسی و مبارزان جنبش مشروطه خواهی در ایران بود. حوادثی چون پیدا شدن عکس مسیونر بلژیکی (که در سال ۱۲۷۷ «مدیر کل گمرکات» و پس از چندی «وزیر کل گمرکات» ایران شده بود) در لباس روحانیت در آستانه انقلاب (که همان زمان هم مورد بحث بود) بهانه ای بیش نبود. در پس این چنین بهانه ها و حوادث، علل عمیق تر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وجود داشت. مثلا همین وزیر بیگانه، سیستم تعرفه گمرکی خاصی وضع کرده بود، که طبق آن تحت عناوین «راه داری»، «قپان داری»، «حقوق خانات» و غیره، در هر قدم از بازرگانان ایرانی عوارض سنگین اخذ میشد، نر حالی که برای بازرگانان خارجی فقط یک «حق گمرکی» آن هم بسیار ناچیز، هنگام ورود کالا به ایران، در نظر گرفته شده بود. اسناد موجود نشان می دهند که پس از قیام تنباکو (۱۲۷۰) تا آغاز انقلاب مشروطه، هیچانات توده ها قطع نمیشد و اغلب به زود خورد با نیروهای دولتی و خونریزی می انجامید.

در این دوره مهاجرت ایرانیان نیز شدت می گیرد. نه فقط روشنفکران موقتی در مبارزه به خاطر عقاید خویش مجبور به ترک وطن می شدند، بلکه کارگران و دهقانان نیز در پی کاروان، سرزمین آباء - اجدادی خود را ترک می کردند و به کشورهای دیگر، بویژه روسیه می رفتند. آمار موجود حاکی از آن است که دو سال قبل از انقلاب مشروطیت، عده کارگران ایرانی، که تنها در صنایع نفت باکو کار می کردند، به ۷ هزار نفر می رسید، که در حدود ۲۲ درصد کارگران نفت باکو را تشکیل می داد. این رقم بعدها افزایش یافت

گفتگو پیراهون اندیشه های سوسیالیسم راما محافل

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تأمین کاربری کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

روزگاری به سپاهی ذغال

معدنکاران معادن ذغال سنگ هیوا:

کارگران گرمابه‌ها: در تاریکی می‌آئیم و در تاریکی می‌روئیم، کسی به ما اعتنائی ندارد.



کارگران گرمابه‌ها از محروم‌ترین زحمتکشان ایران بشماره می‌روند.

- بیماری روماتیسم کارگران گرمابه‌ها را آزار می‌دهد.
- چرا باید تا ۶ سالگی جان بکنیم؟

کارگران گرمابه‌ها از محروم‌ترین زحمتکشان ایران بشماره می‌روند. عدد آنان تنها در تهران به چندین هزار نفر می‌رسد. اینان خورس خوان سحر، تن به پشمشان را به رطوبت و سنگینی حمام می‌کنند و شب، در وقت پاتن و جمان کوفته به کنجی پناه می‌برند. کارگران گرمابه‌ها کارهای مختلفی از جمله لباس‌داری، آتشکاری، کسه کشی و سایر کارها را در آنجا انجام می‌دهند. اما دردهایشان که کاملاً مشترک است. زحمت زیاد و ساعات کار نامعقول، حقوق کم و نداشتن بیمه، ابتلا به دردهای استخوانی و ...

بخشی از کارگران حمامها مردشان را از صاحب گرمابه می‌گیرند و برخی دیگر از مشتری، البته از پولی که مشتری بدهد، سهمی هم به صاحب گرمابه تعلق می‌گیرد. اینان بیشتر «کسه کش‌ها» هستند.

بیماری از کارگران گرمابه‌ها قیلاک تولیدی داشته‌اند، در مزه‌ای به کشت و کار مشغول بوده‌اند، در کارخانه‌های چرخ تولیدی شرکت در می‌آوردند و با اینکه هر از گاهی شغلی پیشه کرده‌اند، اینک به علتی که غالباً به عدم بهره‌دهی کارخانه‌ها و از دست دادن زمین یا اخراج بی‌دلیل از کارخانه و محل کار سابق و ... بر می‌گردد، و خلاصه زیر فشار بدهی و کسرتی، جوانی و نیروی سازنده خود را در کاری هدر می‌دهند که از آن دل‌خوشی ندارند، البته برایشان در آمدی هم ندارد.

کزیصی، یکی از کارگران گرمابه، می‌گوید:
«با کار طاقت فرسا از ۵ صبح تا ۸ شب تقریباً ۸۰-۹۰ تومان بدست می‌بریم، و آنچه از پولی است که مشتری بدهند، کارم زیاد است و دستمزم به چاهی نمی‌رسد. در اینکار از حق اولاد و سود و زیاده و غیر ذلک هم خبری نیست. روماتیسم هم که جای خود دارد.»

غلامرضا سیدی ۳۷ ساله از ۷ صبح تا ۹ شب کار می‌کند و ۵۸/۵ تومان می‌گیرد. هفته‌ای یکروز و دو روز ۱۵ روز مرخصی دارد. شکیات دارد که:

«با این کار زیاد، وقتی برای دنبال کردن مسائل سندیکیائی ندارم.»

اضافه کار بیش از ساعت کار قانونی راه آنها نمی‌دهد، از بیمه دل‌خوشی ندارند و البته حقوق هم که به چیز نمی‌رسد، از شدت یاس می‌گویند:

دکارگر حمام بدبخت‌ترین کارگر دنیا است. در تاریکی می‌آئیم و در تاریکی می‌روئیم، کسی به ما اعتنائی ندارد.

او بحق معترض است که:
«چرا باید تا ۶ سالگی جان بکنیم؟ سن بازنشستگی باید کمتر باشد.»

او نیز چون دیگر همکارانش کم‌درود و ... دارد. در گفتگو با کارگران گرمابه‌ها، بسیاری از آنان شکیات دارند که با وجود روزی ۱۴ ساعت کار، دستمزدشان از حداقل قانونی که البته برای ۸ ساعت کار معین شده کمتر است، حقوق‌دهی آن‌ها را با بهایه ای که بسیار پایین می‌گردد، مثلاً کارگری با ۱۲ سال سابقه کار، از ساعت ۶ صبح تا ۸ شب، فقط ۵۰ تومان می‌گردد. علاوه بر تقریباً همه کارگران گرمابه‌ها می‌گویند که دنبال سندیکیائی نیستند، زیرا وقتی برای بیکار ندارند. همینطور همه آنان می‌گویند که اگر به علتی مثل بیماری نتوانند سر کار حاضر شوند، آن روز حقوقی نخواهند داشت. آنها از نداشتن حداقل تأمین انسانی و هزینه‌های مواد مصرفی و اجاره‌خانه شکیات دارند. کارگران گرمابه‌ها می‌خواهند:

- ۱- ساعات کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یابد و

- معدنکاران فاقد چکمه، کلاه ایمنی، ماسک، لباس کار، چراغ‌های ایمنی و ... هستند،
- تول‌های معدن هیچ حفاظ ایمنی ندارند. حتی چوب‌بستی در کار نیست. هر لحظه امکان ریزش هست،
- مزایای قانونی در کار نیست. موازین بهداشتی مطلقاً رعایت نمی‌شود و معدنکاران به بیماری‌های گوناگون، از جمله بیماری‌های تنفسی خطرناک مانند سیلیکوز مبتلا می‌شوند.

تمام سروروش سیاه است. در اثر خشکی مفرط به واکن تکیه دار. از دستمزد و چگونگی کارشان پرسیدم، پاسخ داد: «چندتایی از ما کنتراکتی کار می‌کنیم و بقیه نیز روزمزد هستند. روزمزدها روزی ۷۰-۸۰ تومان می‌گیرند و کنتراکتهایم به اندازه کارشان، مثلاً برای هر واکن ذغال سنگ ۷۰۰ یا ۸۰۰ (منظور خاک و سنگ بدرختن خود است) که بیرون معدن می‌بریم، ۸ تومان می‌گیریم.»

انسان تا در این معدن کار نکرده باشد، نمی‌تواند عمق رنجی را که از این کار نصیب معدنکار میشود، حس کند. ۸ تومن در ازای حمل یک واکن پر در طول مسیر ۸۰۰ متری تونل! تونلهائی که به علت کسی نیست، انسان مجبور است دانه خیمه راه برود. تونلهائی که به علت نبودن چوب‌بستی در آن امکان ریزش دارد. تاکنون ۴ تن از معدنکاران هیوا، جان خود را برای برائت سودجویی‌های سرمایه‌داران از دست داده‌اند. ۲۶ تن به علت ریزش معدن (که خود ناشی از فقدان چوب‌بستی بود) و ۲ نفر دیگر به علت انفجار مواد منفجره (به جهت عدم آشنایی با این مواد).

هر چند این حوادث ناگوار مربوط به سالها قبل است، اما هر کجا کونین نمونه‌های بسیاری از عدم رعایت حفاظت و ایمنی کار در این معدن دیده می‌شود، که نسبت به معدن مشابه برابر چشمگیری است. مثلاً معدن-

نیز خبری نیست. در این زمینه بایکی از معدنچیان بپرسیم که ۲۰ سال از عمرش را در این راه از دست داده، به کجنگو برداختیم. او با اندوهی عمیق گفت: «غیر از چند روز عزد هیچی درنگه به ما نمدن. یه‌که نیستیم، تعطیلی هم نداریم، اگر یک روز راسرکار نیائیم از مزد خبری نیست.»

در این صورت برخی می‌توانند حدس زد که از حق بسکن، بازنشستگی، عیدی، پاداش، حق اولاد و مزایای دیگر محبتی نمی‌توانند در میان بیاورند. معدنچی پیرسرف- کتان‌ادامه داد:

«سالها پیش بود که ماهوری نمدنم از وزارت کار بود و یاجاهای دیگر، به اینجا آمد و مسئولی کرد و رفت. قبل از آمدن ماهور، صاحب معدن به ما گفته بود که اگر از شما سوال کردند بگوئید روزی ۳ تومن مزد می‌گیریم و راضی هستیم. البته بعدها فهمیدیم که ماهور با صاحب معدن ساخته بود تا قبول یه نهد.»

از مشکلات معدنچیان که بگذریم، می‌رسیم به کمبود چشمگیر دینامیت در معدن این ناحیه. علت کمبود دینامیت لاقط برای ما نامشخص است، زیرا مسئولین امور معدنی در صنایع و معدن موظف به تأمین مواد منفجره لازم برای معدن‌دارانی بوده‌اند. مشکل ما این است که با نداشتن دینامیت برای این ناحیه، به صرف دولت است که کار

اکتشاف و بهره‌برداری معدن فعلی و معدنی را که احتمالاً در آینده بوجود خواهند آمد، بهمه بگذریم، تا از این طریق به تأمین سوخت مورد نیاز واحدهای صنعتی کمک کرده باشد. مورد نیاز پس از انقلاب بزرگ مینمندان، که اما چنینی بحق آنرا انقلاب مستضعین، نامیده، امید ی تازه دودل این زحمتکشان پدیدار گشت. بر مسئولین امر است تا در رفع ستم از معدنکاران محروم سراسر ایران، خواستههای آنان را برآورده سازند.

اقدامات ضد کارگری مدیر عامل کارخانه نان قدس رضوی به سود انقلاب نیست

قانون شکنی‌ها و برخوردهای ضد کارگری مدیرعامل مخالفانند، تأمین جانی ندارند. جناب این جاست که شخص مدیر عامل برای لاپوشانی اعمال خود به کارگران وعده داد که برای تصفیه عناس معترض درخواست هیئت پاکسازی از آستانه خواهد کرد! کارفرما تصمیم دارد که افراد معترض را تصفیه و از کارخانه اخراج کند، و نیز آنها را بعنوان افراد اخلاقاً تحویل مقامات مسئول دهد.

کارگران از مقامات مسئول می‌خواهند که جلو خودسریری مدیر عامل را بگیرند تا پیش از این باعث آذیت و آزار کارگران آگاه کارخانه نشود. امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که دست‌های تشنج‌آفرین بسیاری از کارفرمایان، در جهت تصدیه نارضایتی‌ها، با تشنیه تشنج‌آفرین در میان کارگران است. این سیاستی است که در بهترین حالت از تشنگ نظری و منفعت‌طلبی شخصی مایه می‌گردد، و خواهناخواه آب در آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزد.

هرمزدن جو اتحاد و اتفاق در واحدهای تولیدی، از طرف هر کس و هر گروه که باشد، در راستای انقلاب نیست، در جهت سرکوب نیروهای اصلی انقلاب و تقویت فضای مسموم تفرقه‌انگیزی. مسئولین امر حق ندارند به مسئله مدیریت کم بها دهند و بیش از آن، بر مشکلات واقعی چشم‌پوشی کنند. این مشکلات را اینجیل نیستند. کافی است به خواسته‌های کارگران، که در زمینه صنعتی و رفاهی در بسیاری از موارد حتی در چارچوب بسیار محدود و ناقص قانون کار طاغوتی نیز دستیابی به آن عملی و ممکن است، عنایت کنند، امر پاکسازی را بسود انقلاب بگیری کنند و با تقویت نهاد های انقلابی، از جمله شوراهای و مشارکت دادن آنان در اداره واحدها، از نیروی خلاصه زحمتکشان در جهت رفع نارسایی و تأمین مواد و مصالح کمیاب، نهایتاً استفاده را بعمل آورند.

- ۱- شرایط زندگی آنان را تسهیل کند.
- ۲- سن بازنشستگی برای همه کارگران و از جمله کارگران گرمابه‌ها کمتر از ۶۰ سال باشد،
- ۳- به وضع بیمه و تأمین اجتماعی کارگران گرمابه رسیدگی شود،
- ۴- کارگران گرمابه‌ها نظیر سایر کارگران ایران چشم‌انتظار آنند که بمدد انقلاب فرجی در زندگیشان حاصل شود. امیدشان را باید پاسخ گفت.

کارخانه نان قدس رضوی مشهد، چندسال قبل تاسیس شد. این کارخانه، که قبلاً مواد غذایی تولید میکرد، به سرمایه چند نفر به اتفاق سهامدار اصلی، یعنی آستان قدس و با سرمایه ۴ میلیون ریال ایجاد و در حال حاضر دارای ۲۸۰ نفر پرسنل است. به علت سیاست اقتصادی نادرست و اداره غلط کارخانه توسط مدیران وابسته در گذشته، از جمله استخدام بی رویه از یکسو و رکود تولید از سوی دیگر، وضع فعلی کارخانه و آینده کارکنان آن نامعلوم است. این کارخانه پیش از انقلاب با فروش نان تولیدی خود، از طریق قراردادهائی که در زمینه تغذیه راپکان، مدارس داشت، میلیونها تومان درآمد داشت. این پول توسط مدیران وابسته قبلی و «ولیان» استانی قرار خرواسان، که ناظر مستقیم کارخانه نان رضوی بود، حیف و میل می‌شد. قسمتی نیز به آستان قدس پرداخت می‌شد و بخش ناچیز آن به حقوق کارکنان زحمتکش اختصاص می‌یافت. در نتیجه کارگران تحت فشار و استثمار شدید مدیران وابسته و شخص ولیان قرار داشتند. پس از پیروزی انقلاب، تغییرات پیش-بینی نشده‌ای یوقوع پیوست که سبب از همه لوف قرارداد تغذیه راپکان بود. پیش از این کنتیم که درآمد عمده شرکت از این طریق تأمین میشد، در نتیجه لوف این طرح، محیولات کارخانه به حداقل رسید. از آن پس کارخانه، از جهت تأمین درآمد و پرداخت حقوق کارکنان، ناگزیر هر ماه مبلغی از آستان قدس (که در حقیقت صاحب عمده سهام این کارخانه است)، دریافت می‌کند. سال گذشته، کارگران از مدیر عامل

- برای ساعت کاری بیشتر اضافه کار پرداخت شود،
- ۲- حداقل قانونی حقوق و نیز مزایای از قبیل حق اولاد و خواریار و ... در مورد آنان رعایت شود،
- ۳- چنانچه کارگری به علت بیماری یا گرفتاری‌های نظیر آن نتوانست در محل کار خود حاضر شود، حقوق وی پرداخت شود،
- ۴- دولت با بهبود وضع مسکن، مبارزه با گرانی و نظارت قانونی و رسیدگی به خواسته‌های برحق

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

اخبار دهقانی

دهقانان زمین می خواهند، مالکان تشنج و آشوب!

در روستاهای حاجی آباد و خانی آباد در منطقه کامفیروز، مالک بزرگ، علیرغم داشتن متجاوز از ۵۰۰۰ هکتار زمین، به ۲۰۰ هکتار زمین متعلق به ۳۱۳ نفر دهقانان کم زمین تجساز کرده است.

این مالک با بی‌شرمی تمام دهقانان را حتی با اسلحه تهدید می‌کند و می‌کوشد تا مقاومت آنان را در برابر تجاوزات خود درهم شکند. یکبار دهقانان ۲ قیضه از تفنگهای مالک بزرگ و دستیارانش را ضبط کرده و به پاسداران تحویل دادند، ولی در برابر تعجب دهقانان سلاحها را مجدداً به مالک بازگردانده‌اند. در نتیجه تحریکات توسط آیین مالک و اعمال نفوذ او، دهقانان شدیداً به‌خشم آمده‌اند و می‌گویند، چنانچه حق آنان به آنها داده نشود، زمینها را میدل به‌قبور خود و یا به‌قبور مالک بزرگ خواهند ساخت.

این واقعه نشان می‌دهد که برخلاف شیوه انقلابی اکثر افراد متعهد سپاه پاسداران، در اینجا مالک بزرگ موفق شده است که متأسفانه عملکردی منفی و در خلاف راستای انقلاب، یعنی به نفع مالکان بزرگ در بین برخی از عناصر پاسدار بوجود آورد. وظیفه مقامات مسئول دولتی و نهادهای اسبق انقلابی است که بدون کوچکترین تمامل و سرعاً قانون را اجرا و زمین را به دهقانان بدهی دست واگذار کنند و شرما لکان بزرگ را از سر دهقانان و از اقتصاد کشور بکنند.

مشکل آب آشامیدنی اهالی خسروآباد

خسروآباد دهی است در ۱۵ کیلومتری اسلام‌آباد، اهالی این روستا از نظر آب آشامیدنی دچار کمبود هستند. مردم این روستا نتوانستند از آب جاری کوچکی و از چاه‌آبی که خود کندند و پیش از یکی دو ماه از سال آب ندارد، استفاده کنند. بنا بر این اهالی در مجبورند که با تحمل مخارج و زحمات زیادی در بقیه سال آب آشامیدن مسئول قرار گیرد.

عباس دره‌ای‌ها خواستار اجرای اصلاحات ارضی هستند

روستای «عباس دره» از توابع بخش «ارشق» با ۷۰ خانوار سیصد نفر جمعیت در ۹۰ کیلومتری مشکین شهر واقع شده است. اکثر دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین هستند. زمینهای این روستا بسیار حاصلخیز است، ولی به علت کمبود آب، بیشتر این زمینها بصورت دیم کشته میشود. کمبود وسائل کشاورزی و عدم دسترسی روستائیان به بذر، کود و غیره باعث شده است که مشکلات بیشتری در امر کشاورزی ایجاد گردد.

- ۱- نوسازی چاه‌ها، حمام، آب‌لوله‌کشی، برق، درمانگاه و مدرسه، از خواستهای اساسی روستائیان است.
- ۲- پیش از ترمیم درسد اهالی بیسوادند، دبستانی که در این روستا وجود دارد، گلی است و توسط خود اهالی ساخته شده است.
- ۳- اخیراً اهالی اقدام به کندن چاه کرده‌اند، ولی به علت وضع نامساعد مالی، برای خرید موتور و سایر وسائل لازم برای کشتن آب از چاه، همچنان نیمه‌تمام و بدون استفاده مانده است.
- ۴- از کارهای دستی این روستا جاجیم‌بافی و قالی‌بافی است و تقریباً تمام بچه‌های خردسال بیشتر وقتها خود را به‌جای پشت میزهای مدرسه در کنار گاهای قالی‌بافی می‌گذرانند.
- ۵- نبودن وسائل رفاهی، خورد و خوراک مناسب و کارهای طاقت‌فرسا باعث مبتلا شدن آنها به امراض گوناگون میشود.
- ۶- خواستهای اساسی روستای عباس دره عبارتند از:
 - ۱- اجرای فوری و سریع اصلاحات ارضی،
 - ۲- منبع آب آشامیدنی و آبیاری،
 - ۳- پرداخت وام بدون بهره درازمدت برای روستائیان،
 - ۴- تأمین مسائل رفاهی روستائیان، بویژه درمانگاه و مدرسه،
 - ۵- دادن سرمایه برای قالی‌بافان روستا.

پاسخ مسئولین به خواست‌های دهقانان

در شماره ۱۵۴ نامه «مردم»، در تاریخ ۵۸/۱۱/۹، یک‌خبر دهقانی مربوط به مسائل کشاورزی در استان چهارمحال و بختیاری درج گردید. بدنبال درج این‌خبر، یک نامه در ۲/۵ صفحه، با امضاء آقای سیروس افشار، از کارخانه قند چهارمحال به دفتر نامه «مردم» ارسال گردید، که محتوای آن پاسخی به خواست‌های دهقانی خبی مذکور است. ما در اینجا به درج قسمتی از آن نامه می‌پردازیم و امیدواریم که با توجه به نیازهای دهقانان و کشور و با اتخاذ تصمیمات لازم، تقاضای هر چه زودتر برطرف گردد.

- ۱- کمبود ماشین‌آلات کشاورزی و گرانی کرایه کرایه شخم در مقایسه با سایر استانها مورد تأیید کارخانه با داشتن تعدادی ماشین-آلات کشاورزی در سال جاری با تعدادی از چندین کارکنان بصورت کشت مکانیزه قرارداد منعقد نموده تا بصورت ردیفی برای آنها چندین کشت نماید. و سایر عملیات داشت و برداشت را توسط ماشین-آلات کارخانه رأساً بصورت خدماتی انجام دهد و مبلغ دریافتی کارخانه از بابات این خدمات مساوی هزینه سوخت و دستمزد دراننده تراکتور نمی‌شود. منتهای توانائی کارخانه تا ۳۰ هکتار می‌باشد که ده درصد از کل قراردادی است که بطور متوسط سالیانه با چندین کارکنان منعقد می‌نماید.
- ۲- کارخانه از احداث امکانات خود جهت تهیه آب به زارعین چندین کار از قبیل کمک در خرید موتور پمپ به افرادی که چاه حفر نموده‌اند و یا معرفی افراد واجد شرایط به پستگاه اصلاح به جهت اخذ وام به منظور خرید ماشین‌آلات یا موتور پمپ در امتیاز کشاورزان قرار می‌دهد.



اینست نمای عمومی ده امند و کشتزارهایش

حرفهای مهدی نجف تیزچنگ، کلان و ولی پور و مهدی علی حسین را در دغدگی برستا، میخوانید

((امند)) و نیازهایش



روستای امند در ۲۰ کیلومتری تبریز قرار دارد. ۵۰ کیلومتر با جاده اصلی فاصله و ۵ خانوار جمعیت دارد. آب مشکل اساسی و عمده دهقانان است. به علت نداشتن آب، اکثر زمین‌های روستا بایر و بدون کشت مانده است. آب روستا بوسیله نهری که کفاف آبیاری روستا را نمیدهد، تأمین می‌شود. اهالی بما گفتند که این نهر از چهار ده می‌گذرد و گاهی اوقات آب را از روستاهای بالا می‌بندند. هر روز و هشت شب آب، در ماه، سهمیه این روستا است. روستائیان معتقدند که برای حل مسئله آبیاری باید چاههای عمیق حفر گردد. در این صورت میتوان زمین‌های زیر کشت را چند برابر کرد.

به علت نداشتن آب و بودجه کافی، اهالی دام‌زایی ندارند. نگهداری دام فقط برای مصرف خانوادگی است.

صنایع روستائی

از صنایع دستی رایج در روستا چوب‌بندیم‌بافی و بافی بسیار زیبایی را دیدیم، که حدود ۳۰ نفر به این کار اشتغال دارند. کارمان ولی-پور یکی از روستائیان در این مورد می‌گوید:

ده سال است که فرش می‌بافم و روزی ۴۰ تومان مزد می‌گیرم.

رفاه

مهدی نجف تیز چنگ

آبیاری از مشکلات اصلی روستائیان امند است. برای حل این مشکل به آنها یاری کنیم

در مورد تأسیسات موجود در روستا و کمبودهای آن بما در دغدگی کرد و گفت:

آموزش

- ۳- رفع کمبود تراکتور.
 - ۴- ایجاد مدرسه راهنمایی.
 - ۵- از بین بردن گرانی از طریق شرکت تعاونی و فراهم کردن کالاهای ضروری و مورد نیاز از طریق شرکتها.
- روستائیان می‌گفتند:
- در دوران شروع انقلاب ما بارها با تراکتور و ماشین برای تظاهرات به تبریز می‌آمدیم. ما در مبارزه با آمریکا حاضریم از زندگی‌مان بگذرانیم تا یوزده‌شمن را بخاک بمالیم. از دولت نیز می‌خواهیم بیشتر بوضع ما برسد.

پای صحبت‌های علی‌حسین نشستم که در این مورد می‌گوید: ۲ مدرسه داریم، یکی پسرانه و دیگری دخترانه، که البته هر دو آنها برای دوره دبیرستان دانش‌آموزان مجبورند به شهر بروند، تازه آنها برای همه مقدور نیست. خواستهای اساسی و مشکلات عمده روستائیان عبارتند از: ۱- تأمین آب برای کشت و آب لوله‌کشی برای آشامیدن. ۲- رسیدگی فوری به وضع بهداشت.

راه می‌خواهند

روستائیان شایانکاره، نزدیک میبندند، می‌گویند که در شبانگاه از چاه، برق و بهداشت خیلی نیست. این روستائیان می‌خواهند چاه‌های از شبانگاه به میبندند کشیده شود. بنا بر این روستائیان بودجه‌ای برای اینکار در نظر گرفته شده است، ولی عده‌ای در میبند در انجام این امر مهم کارشکنی میکنند.

جانانلو - روستائی فاقد هر گونه امکان زندگی

روستای جانانلو (۱۳۰ خانوار - ۷۰ کیلومتری اه) تابع بخش خداآفرین است. بی‌زمینی و کم‌زمینی درد بزرگ کشاورزان این روستاست. «اصلاحات ارضی شاهانه» در این روستا بدین ترتیب بود که هر کس قدرت و نفوذ داشت، صاحب زمین شد و هر کس فاقد قدرت بود، همچنان بدون زمین ماند.

تعدادی از دهقانان در نتیجه وامهای کم‌فکری که داشتند و قادر به پرداخت آن نبودند و در روستا نیز زمینی نداشتند، مهاجرت کردند و به شهرها برای کار سرازیر شدند. هم‌اکنون نیز پیش از یک‌سوم اهالی بدون زمین هستند و زندگی فلاکت‌باری را می‌گذرانند. در روستا زمینهای زیادی متعلق به اسداله خان محمد خانلو، از خانهای بزرگ منطقه وجود دارد.

خرمن سوزان و تشدید فعالیت ضدانقلاب در آغاچاری

عوامل ضدانقلاب در آغاچاری سه خرمن بزرگ کندم را به آتش کشیدند. در پی این عمل، که در آستانه فصل برداشت محصول و همزمان با تحریم اقتصادی ایران از جانب امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانان اروپائی و ژاپنی‌اش صورت گرفت، واحد حزب توده ایران در آغاچاری، اصلاحیه‌ای منتشر کرد. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

«آتش زدن خرمنها دریکی از دهاات آغاچاری صحت هندارهای مکرر حزب توده ایران را ثابت میکند... در ساعت ۸ و ۹ تا بعد از ظهر روز ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۱ شهریور، که صورت خود را پوشانده بودند، به سه خرمن بزرگ روستای ۱۶ مایلی (چون این روستا بین چاه نفت شماره ۱۵ و ۱۶ قرار گرفته، به این اسم معروف است) نزدیک اما مزاده ابرالموتین، قسمت شمال‌غرب آغاچاری، که فاصله ده کیلومتری قرار گرفته است، حمله کردند و ابتدا با شلیک تیر هوائی، افرادی را که در محل خرمن کار میکردند، وادار کردند که از محل خرمن‌ها دور شوند، سپس خرمن‌ها را به آتش کشیدند. زمانی که یکی از صاحبان خرمنها برای خاموش کردن آتش اقدام میکند، مهاجمین بطرفش تیراندازی میکنند که خوشبختانه بکسی آسیبی نمیرسد، ولی با کمال تأسف سه خرمن بزرگ کندم یکلی از بین می‌روند.»

در بخش دیگر از اعلامیه گفته میشود: «... ضدانقلاب همگام با ویرانکاریها در شهرها (حمله به کتابفروشیها، بمب گذاریها، اعتصاب و تحسین) در روستاهای بایبشهری به جنایت دست می‌زنند، تا مگر با ایجاد آشفتگی و درماندگی و در چوای آکنده از فقر و ترس و ناایمانی، با پاک‌سازی جنبشی امپریالیسم رابازسازی کنند.»

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کنی ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

دهقانان را بعنوان مزدور استخدام کرده‌اند. آب رودخانه سیلین، که از کنار روستا می‌گذرد و حتی در فصل تابستان هم جاری است، بی‌بهره هدر میرود. اهالی می‌گویند که به علت نداشتن سد و قادر نبودن به خرید موتور پمپ، آب فراوان، مفت و مجانی از بین میرود. آب آشامیدنی از انباری که روی چشمه بی‌زمین قرار می‌داند، ولی ۳ سال قبل آنها با استفاده از تراکتور

در روستای مواتلیق، که دارای ۸۰ خانوار است، در حدود ۱۰ خانوار بدون زمین بقیه (اکثریت) کم‌زمین هستند. زمینهای بزرگ در اختیار ۲ خانوار است. مراتع، قبل از اصلاحات کدائی رژیم گذشته، عمومی بود و بعد از آن ۷ خانوار، مراتع ده را در اختیار خود گرفتند. بزرگ مالکان زمینهای خود را با بهره در اختیار دهقانان بی‌زمین قرار می‌داند، ولی ۳ سال قبل آنها با استفاده از تراکتور

بانشکیل کمیته‌های خود و باتکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود!

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

مقاومت علیه رژیم دست نشانده پاکستان افزایش میابد

رژیم دست نشانده ضیاءالحق در پاکستان، که برای آزادی (۱) در کشورهای دیگر اشک تسامح میریزد، در یک حمله گسترده به تظاهرات هزاران نفر از وکلای دادگستری پاکستان در لاهور، حدود هشتاد و پنج وکیل را بازداشت کرد. مزدوران رژیم ضیاءالحق، در حالیکه با تومهای خود را دوسر تکان میدادند، به اجتماع وکلای دادگستری در لاهور، که بعنوان اعتراض به اقدامهای اخیر رژیم نظامی در مورد کاهش اختیارات دادگاههای غیرنظامی تشکیل شده بود، حمله کردند. از جمله افرادی که به وسیله چکمه پوشان ضیاءالحق بازداشت شده اند، می توان از قاسم مالک دبیر کسل سابق حزب مسلم لیگ پاکستان و اعجاز احمد، وزیر دادگستری پنجاب در زمان حکومت بوتو نام برد. این دو تن از وکلای دادگستری برجسته پاکستان هستند. وکلای دادگستری در حالیکه از ساختمان دیوان عالی لاهور با شعارهای «مرگ بر

ژنرال ضیاء و انتخابات آزاد را ظرف سه ماه برگزار کنید شروع به راهپیمایی کرده بودند، مورد حمله مزدوران پلیس رژیم دست نشانده ضیاءالحق قرار گرفتند. وکلای دادگستری پاکستان همچنین خواستار آزادیهای دموکراتیک و لغو سانسور شدید بر مطبوعات هستند، و درخواست می کنند زندانیان سیاسی، کسه در وضع بسیار ناساعدی بسر می برند، هرچه زودتر آزاد شوند. وکلای دادگستری در راهپیمایی خود دیلا کارهایی همراه داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «پایان دوران سیاه حکومت ضیاء نزدیک است». وکلای دادگستری روز پنجشنبه رژیم، سالگرد کودتای داروخته حاکم نظامی پاکستان را، روز مقاومت ملی علیه رژیم امپریالیستی ضیاءالحق اعلام کردند.



حمایت کارتر از «مسلمانان مبارزه افغانستان»

کارتر اعلام کرد که از ۲۱ تا ۲۷ ژوئیه سال جاری هفته «کمک به افغانستان» برگزار خواهد شد. کارتر از امریکائیان خواسته است به افغانهایی که پس از انقلاب به کشورهای همسایه پناهنده شده اند، کمک کند. ایالات متحده آمریکا به بهانه رساندن این کمکها در پاکستان پایگاههایی ایجاد کرده است و ضدانقلابیون افغانی در این پایگاهها آموزش نظامی می بینند، تا پس از طی این آموزش، به منظور عملیات تروریستی و خرابی-کارانه به افغانستان فرستاده شوند. چندین پیش گروهی از این اشراک، که مخفیانه به کابل رفته بودند، با استفاده از نازیکهای حاوی مواد سمی ساخت آمریکا، به مداس این شهر حمله کردند، که در نتیجه سدها دانش آموز و معلم سموم و به بیمارستان منتقل شدند. اعلام هفته کمک به افغانستان نیز حمله جدیدی است برای توسعه مداخله آمریکا در افغانستان.

حزب کمونیست هند: تحویل سلاح از طرف آمریکا و چین به پاکستان تهدیدی برای شبه قاره آسیای جنوبی است

بدعت حزب کمونیست هند، اجتماع بزرگی در دلهی زیر شعار «تحویل سلاح از طرف آمریکا و چین به پاکستان تهدیدی برای شبه قاره آسیای جنوبی است» و «بسخ دندان شکن به اتحاد تجاوزکارانه پاکستان، آمریکا و چین» و «دموکراسی باید در پاکستان برقرار شود» برگزار شد. در این اجتماع، نمایندگان حزب کمونیست هند، اتحادیه های کارگری، سازمان های جوانان و زنان کشور شرکت کردند. گوریشان، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند گفت که سرزمین پاکستان به پایگاه عملیات خرابکاری علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان تبدیل شده است. گوریشان تاکید کرد که امپریالیسم آمریکا، چین و رژیم پاکستان با اعطای کمک های فراوان به ضدانقلابیون افغانی، گستاخانه در امور خلق افغان، که تلاش دارد دگرگونی های شگرف اقتصادی - اجتماعی در کشور انجام دهد، مداخله می کنند. شرکت کنندگان در تظاهرات خواستار پایان دادن به نظامی گری در پاکستان و توقف شدن توطئه ارتجاع جهانی علیه افغانستان، هند و ایران و اعاده دموکراسی در پاکستان شدند.

له دوان، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، جایزه صلح نین گرفت

جایزه بین المللی صلح نین در هانوی به له دوان، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام تسلیم شد. له دوان در مراسم گرفتن جایزه گفت که اتحاد شوروی در دوران مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم جاپونیکار آمریکا کمکهای بی شائبه و ذیقیمتی در اختیار مردم ویتنام قرار داده است و اکنون نیز در مرحله جدید مبارزه خلق قهرمان ویتنام علیه توسعه طلبان چینی، اتحاد شوروی دوست رزمنده ویتنام است.

تظاهرات گسترده کارگران و کشاورزان برتغال علیه دولت دست راستی این کشور

برتغال، شنبه گذشته، شاهد تظاهرات گسترده صدها هزار کارگر و کشاورزان علیه دولت دست راستی ساکارنیر بود. این تظاهرات بدعت اپرتسینیکال در دهها شهر صورت گرفت و تنها در شهر لیسبون، پایتخت برتغال، دهها هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند. تظاهر کنندگان اعلام کردند که سیاست های ارتجاعی دولت باعث پائین آمدن سطح زندگی زحمتکشان شده است و ارتش بیگاران افزایش یافته است. تظاهر کنندگان همچنین اعلام کردند که باتمام قوا در مقابل تلاشهای دولت برای نابود کردن نتایج برنامه های اصلاحات ارضی مقاومت خواهند کرد. مردم برتغال همچنین به سانسور در رادیو و تلویزیون اعتراض و اعلام کردند که رادیو و تلویزیون تنها اعلامیه های هیئت حاکمه را پخش می کنند.

رژیم فاشیستی شیلی به بازداشت مخالفان ادامه میدهد

رژیم فاشیستی پینوشه در شیلی، در سال جاری صدها تن از مخالفان را بازداشت کرده است. سازمان حقوق بشر شیلی، سازمان همبستگی آمریکایی اعلام کردند که براساس اطلاعات بدست آمده، فاشیستهای شیلی که از حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا برخوردارند، در سال جاری صدها تن را به زندان انداخته اند. همچنین از سر نوشت، ۲۵۰ تن، که رژیم شیلی آنها را «فابیده» اعلام کرده است، اطلاعی در دست نیست.

کشتی های جنگی آلمان فدرال وارد اقیانوس هند شده اند

امپریالیسم آمریکا متحدان خود را به طریحی تجاوزکارانه اش در نقاط مختلف جهان می کشاند. چهار کشتی جنگی آلمان فدرال راهی اقیانوس هند شده اند تا همراه با ناوگان آمریکا در این اقیانوس، تحریکات علیه خلق های منطقه را افزایش دهند. این کشتی ها ترار است همچنین مدتی در بنادر پاکستان توقف کنند.

اتحاد شوروی در جهت ساختمان کمونیسم به پیش میرود

آندره کریلنکو، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت که سازندگی کمونیسم روندی خلاق است، که به سطح عالی دانش و افزایش دائمی آن بستگی دارد. کریلنکو، که در مراسم فارغ التحصیلی آکادمی اقتصادیات اتحاد شوروی سخن میگفت، اعلام کرد که به پایان برنامه پنج ساله جاری کشور کمتر از شش ماه دیگر باقی مانده است و از هم اکنون می توان گفت کشور در جهت ساختمان کمونیسم پیش می رود، و سطح تکنیکی تمام رشته های اقتصادی ارتقاء یافته و قدرت دفاعی کشور نیز، که تضمین کننده کار آرام و سازنده خلق های شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، افزایش یافته است. کریلنکو گفت که از هم اکنون می توانیم از پیشرفت های بدست آمده بخود بیاییم. با این همه مسائل زیادی پیش روی کشور قرار دارد، که باید حل شود. کریلنکو گفت که اتحاد شوروی ضمن ساختمان کمونیسم به ایجاد شرایط جهانی مساعد نیز توجه دارد. اکنون محافل تجار و کار امپریالیستی و بزرگ امپریالیسم آمریکا تلاش دارند که تشنج را در جهان افزایش دهند. اما نباید به امپریالیسم و سلطه طلبان چینی اجازه داد دستاوردهای تشنج زدایی را نابود سازند.

تظاهرات مردم در آفریقای جنوبی علیه رژیم نژادپرستان گسترش می یابد

ساله نجومی رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوابو) اعلام کرد که اوضاع نامی برای اقدام های چنانچه نژادپرستان آفریقای جنوبی انفجار آمیز است. رهبر «سوابو» - سازمانی که با حمایت فاطح خلق نامی، برای استقلال نامی، علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی واریان غربی آن پیگار می کند - اضافه کرد که هواپیمای نژادپرستان وحشیانه دوستانه ای بر دفاع را بباران می کنند و بی گناهان راقتل می رسانند و مبدعا نفرا بازداشت کرده اند. نجومی قدرتمند امپریالیستی را در جنایات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شریک دانست. از سوی دیگر گزارش های رسیده از آفریقای جنوبی نشان می دهد که تظاهرات گسترده سیاهان و دورگها علیه رژیم ضد بشری آپارتاید با شدت ادامه دارد و دامنه تظاهرات روز بروز گسترش می یابد. مزدوران پلیس برای درهم شکستن تظاهرات، وحشیانه مردم را زیر و گبار گلوله می گیرند. تاکنون دهها تن کشته شده اند. همچنین موج تظاهرات بااعتصابات کارگری توام شده است. در ناحیه «کیپ» هزارها کارگر بعنوان اعتراض علیه سیاست تبعیض نژادی و پائین بودن دستمزدها دست از کار کشیدند. در جریان زدو خورد میان پلیس و کارگران عده زیادی مجروح شده اند.

اجلاس شورای همیاری اقتصادی با موفقیت پایان یافت

اجلاس شورای همیاری اقتصادی که در سطح رومانی دولتها در پراگ تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در این اجلاس مسائل مربوط به هماهنگی در برنامه های اقتصادی کشورهای عضو برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۸ به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. در این اجلاس کشورهای عضو (اتحاد شوروی، لهستان، مجارستان، رومانی، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، کوبا، مغولستان و ویتنام) موافقتنامه هایی در این زمینه امضا کردند. کشورهای عضو، همبستگی خود را با تلاش شروع کشورهای درحال توسعه برای دستیابی به استقلال اقتصادی و از میان بردن استثمار انصارات امپریالیستی و راهی از نابرابری و سرکوب کشورها بوسیله چند کشور امپریالیستی و تأمین حق هر خلق برای اداره منابع طبیعی خود بترجیح رفاه و ترقی کشور طی بیانیه ای مورد تأکید قرار دادند. در بیانیه آمده است که کشورهای عضو بر اساس برابری کامل آماده اند بطور دو-جانبه و چند جانبه به کشورهای که در مسیر تحول اجتماعی گام برمی دارند و همچنین به دیگر کشورهای درحال توسعه، که می خواهند پیشرفت اقتصادی خود را سرعت بخشند و استقلال سیاسی و اقتصادی خود را تحکیم کنند، کمک نمایند. در بیانیه اضافه شده است که کشور های عضو شورای همیاری اقتصادی به حدود نود کشور جهان در آسیا، آفریقا و آمریکا لاین کمک های فنی و علمی می دهند. در بیانیه گفته شده است که به درخواست دولت افغانستان، تصمیم گرفته شد این کشور بعنوان عضو ناظر در شورا شرکت داشته باشد (کشورهای آنکولا، موزامبیک، لائوس، ایتوبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن دیگر کشورهای ناظر شورا هستند). اجلاس پراگ، با رضایت توسعه رضایت بخش همکاری اقتصادی میان اعضاء را بررسی کرد و یک رشته تدابیر گسترده را، که هدف آن ادغام اقتصادی سوسیالیستی کشورها و افزایش کارایی اقتصادی کشورهای عضو است، مورد بررسی قرار داد. در این اجلاس از جمله تصمیم گیری ها هماهنگی در ساختن کامیونترها مورد بحث قرار گرفت و همچنین در مورد بهبود پالایش نفت موافقتنامه ای امضاء شد. گوستاو هوساک، دبیر کسل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی و رئیس جمهوری این کشور، بمناسبت پایان اجلاس شورای همیاری اقتصادی در پراگ گفت که سی و چهارمین اجلاس این شورا رویدادی پس مرم در زندگی کشورهای عضو و در زندگی جامعه سوسیالیستی و جهان بوده است و این اجلاس گامی تازه بسوی رسیدن به هدفهای مشترک محسوب میشود.

زحمتکشان برتغال از منافع خود دفاع میکنند

زحمتکشان برتغال، که با تعرض روزافزون ارتجاع به سطح زندگی توده ها و دستاوردهای دموکراتیک انقلاب آوریل دوبرو میشوند، هرچه بیشتر به کاراترین سلاح خود یعنی اعتصاب، دست می یازند. برای نمونه، کالی است که به اعتصاب طسیم هزاران کارگر کارخانه شیمیایی دولتی «پتروگال» در شهر «باررو» و اعتصاب ماهیگیران آن کشور در چند هفته پیش اشاره گردد. تنها در چهاره اول سال میلادی کنونی، ۴۰ میلیون برتغالی، یعنی بیش از نیمی از کارگران و کارمندان برتغالی، در اعتصابات شرکت کردند. بسیاری از این اعتصابات برس خواستهای اقتصادی نیستند بلکه انگیزه سیاسی دارند. در این زمینه، میتوان از اعتصاب پرولتاریای کشاورزی «آنتیو» با اعتراض علیه اخلاص در امر اصلاحات ارضی، و اعتصاب ملی کارگران بخش ترابری نام برد. برخی از این اعتصابات، مثلا در شعبه «ای. تی. تی» در برتغال، بدست به خارج کارگران از سوی کارفرمایان، اعتصاب عمومی ۲۰۰ هزار فلزکار و ۲۸۰ هزار کارمند بخش دولتی، اختطاری بود به مقامات اموری تا اقدامات ضد کارگری خود را بحد افرات رسانند. اینک در میلیون زحمتکش برتغال به مبارزه برای عقد قرارداد جدید دستمزد مشغولند.

درجهان سوسیالیسم

نقش سازنده «جبهه ملی» در اداره جمهوری دموکراتیک آلمان

در جمهوری دموکراتیک آلمان، همکاری سیاسی احزاب و سازمانهای توده ای، که ضرورت و کارایی خود را در تمام دوران ساختمان بنیوت رساننده همواره گسترش می یابد. پس ستون وحدت روزافزون سیاسی و اخلاقی مردم جمهوری دموکراتیک آلمان همکاری اعتمادآمیز احزاب سیاسی، سازمانهای توده ای و شهروندهای متحد در «جبهه ملی» است. در «جبهه ملی» هزاران مسیحی معتقد شرکت فعال دارند. برای نمونه، در ۲۶ «مجلس مسیحیان» «جبهه ملی»، ۵۰۰ شهروند آلمان دموکراتیک از جمله بسیاری از کشیشان و رهبران مذهبی، تشکیل یافته اند. در جمهوری دموکراتیک آلمان، مردم قدرت سیاسی خود را از راه ارگانهای منتخب خود اعمال میکنند. آنها در سن ۱۸ سالگی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را می یابند. نمایندگان «مجلس خلق» وکلای حرفه ای نیستند، بلکه کسانی هستند که در عین انجام شغل خود، وظیفه ناظر نگداری و نظارت بر اجرای آنها را به عهده گرفته اند. از نمایندگان که در سال ۱۹۷۶ به «مجلس خلق» راه یافتند، ۳۲ درصد دارای خاستگاه طبقاتی کارگری، ۲۱ درصد کارمند، ۱۰ درصد دهقان نمازنی، ۷ درصد روشنفکر، ۶ درصد پیشه ور مستقل، ۱۰ درصد دکاندار و ۱۰ درصد شاغلان سستهای متفرقه بودند. ۳۲ درصد نمایندگان مجلس خلق زن هستند و ۱۷ درصد آنها نشان کمتر از ۴۰ سال است.

نمزدهای «مجلس خلق» را احزاب و سازمانهای توده ای متشکل در «جبهه ملی» پس از مشورت با همکاران آنها، معرفی میکنند نامزدها مکلند که قبل از انتخابات در جلساتی که در کارخانه ها، تعاونی ها، مدارس، دانشگاهها و محلات تشکیل میشود، شرکت جویند و برنامه خود را برای آنها تشریح کنند. ۵۰۰ نماینده مجلس خلق برای مدت پنج سال با رأی آزاد و مخفی انتخاب میشوند و در صورت ناشایستگی و با اجماع در انجام وظیفه، میتوان آنها را سوی انتخاب کنندگان خود عزل کرد. جدول زیر ترکیب سازمانی «مجلس خلق» جمهوری دموکراتیک آلمان را نشان میدهد:

درصد	سازمان
۲۰	حزب سوسیالیست متحد آلمان
۱۰	حزب دموکرات دهقانان آلمان
۱۰	اتحادیه دموکراتیک مسیحی آلمان
۱۰	حزب لیبرال دموکراتیک آلمان
۱۰	حزب ملی - دموکراتیک آلمان
۱۲	کنفدراسیون سندیکاهای آزاد آلمان
۷	فدراسیون دموکراتیک زنان آلمان
۸	جوانان آزاد آلمان
۱	جامعه فرهنگ جمهوری دموکراتیک آلمان

درجهان سرمایه داری

زحمتکشان برتغال از منافع خود دفاع میکنند

زحمتکشان برتغال، که با تعرض روزافزون ارتجاع به سطح زندگی توده ها و دستاوردهای دموکراتیک انقلاب آوریل دوبرو میشوند، هرچه بیشتر به کاراترین سلاح خود یعنی اعتصاب، دست می یازند. برای نمونه، کالی است که به اعتصاب طسیم هزاران کارگر کارخانه شیمیایی دولتی «پتروگال» در شهر «باررو» و اعتصاب ماهیگیران آن کشور در چند هفته پیش اشاره گردد. تنها در چهاره اول سال میلادی کنونی، ۴۰ میلیون برتغالی، یعنی بیش از نیمی از کارگران و کارمندان برتغالی، در اعتصابات شرکت کردند. بسیاری از این اعتصابات برس خواستهای اقتصادی نیستند بلکه انگیزه سیاسی دارند. در این زمینه، میتوان از اعتصاب پرولتاریای کشاورزی «آنتیو» با اعتراض علیه اخلاص در امر اصلاحات ارضی، و اعتصاب ملی کارگران بخش ترابری نام برد. برخی از این اعتصابات، مثلا در شعبه «ای. تی. تی» در برتغال، بدست به خارج کارگران از سوی کارفرمایان، اعتصاب عمومی ۲۰۰ هزار فلزکار و ۲۸۰ هزار کارمند بخش دولتی، اختطاری بود به مقامات اموری تا اقدامات ضد کارگری خود را بحد افرات رسانند. اینک در میلیون زحمتکش برتغال به مبارزه برای عقد قرارداد جدید دستمزد مشغولند.

شماره های گذشته نامه «مردم» برای فروش به طور تک شماره آماده است

بدقت نامه «مردم» مراجعه فرمائید

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

